

نکاتی دربارهٔ فتنهٔ فرهنگی اخیر

علیرضا پناهیان



بیان معنوی
Panahian.net

خلاصهٔ سخنان علیرضا پناهیان در یک جمع دانشجویی
و رسانه‌ای؛ ۱۰ مهر ۱۴۰۱
تلخیص و تنظیم: مؤسسهٔ بیان معنوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۳ | بخش اول | نکته برداری از سخنان رهبری با پیشکسوتان دفاع مقدس
- ۱۲ | بخش دوم | فرصت‌هایی که این فتنه برای ما ایجاد کرد
- ۱۸ | بخش سوم | بررسی ریشه‌های اصلی این فتنه
- ۲۳ | بخش چهارم | با این ماجرا چگونه برخورد کنیم؟

بخش اول

نکته برداری از سخنان رهبری با پیشکسوتان دفاع مقدس

حوادث اخیر درواقع یک «فتنه فرهنگی» بود

درباره حوادث اخیر می‌توانیم از عبارت «فتنه فرهنگی» استفاده کنیم؛ به این معنا که حجاب را به عنوان یک موضوع فرهنگی، عامل فتنه و غبارآلود کردن فضا قرار دادند که محل امتحان و رسوایی خیلی‌ها و محل بحران‌های اجتماعی قرار گرفت. البته حجاب موضوعی صرفاً فرهنگی نیست و ابعاد دیگری هم دارد، ولی در جامعه این تلقی وجود دارد که حجاب یک امر صرفاً ارزشی و طبیعتاً فرهنگی است.

در ایام آغاز این فتنه فرهنگی، رهبر انقلاب یک صحبتی با

پیشکسوتان دفاع مقدس داشتند که از همه شما می‌خواهم این صحبت‌های هوشمندانه رهبری را با دقت گوش کنید. ایشان بدون ورود صریح به موضوع حوادث اخیر، مطالبی را بیان کردند. از این مطالب برای تحلیل فتنه اخیر می‌توانید بهره‌برداری و نکته‌برداری کنید.

رهبرانقلاب شخصیتی نیستند که بدون ارتباط با حوادث زمانه، صرفاً بخواهند تاریخی صحبت کنند و لذا انسان اطمینان پیدا می‌کند که ایشان با عنایت به حوادث زمانه و همین فتنه اخیر، بسیاری از مطالب را در آنجا بیان کردند.

نکته ۱: این هجمه اخیر هم مثل جنگ، به ما تحمیل شد و فوت آن خانم صرفاً بهانه بود

نکته اول این بود که فرمودند: آنها نمی‌توانند علت جنگ یا شروع جنگ را به گردن ایران بیندازند، اما ما مقصر نبودیم، بلکه دشمنان می‌خواستند جنگ را به ما تحمیل کنند. دربارهٔ موضوع توقف جنگ بعد از فتح خرمشهر هم فرمودند: این سخنان غیرمسئولانه‌ای است که بعضی‌ها می‌گویند.

ما اگر بخواهیم از این تحلیل، بهره‌برداری کنیم، باید بگوییم

کاملاً روشن است که فوت خانم مهسا امینی واقعاً بهانه بود، مثل بهانه‌هایی که صدام برای حمله به ایران می‌آورد. این هجمه رسانه‌ای علیه ایران اصلاً طبیعی نیست و در دنیا بی سابقه است؛ حتی اگر ایشان عمداً به قتل رسیده باشد، که البته این طور نیست و این با سیاست‌های جمهوری اسلامی و نیروی انتظامی ما سازگاری ندارد.

در این فتنه دیدید که آمادگی حضور دشمن برای به هم ریختن مملکت چقدر بالا بوده و حتی احتمال اینکه فوت آن خانم هم توطئه باشد وجود دارد. ولی چیزی که انسان را متأثر می‌کند نظردادن‌های غیرمسئولانه علیه نظام بود.

دشمنان داخلی و برخی دوستان، در این فتنه به تخطئه و شماتت جبهه خودی پرداختند

الان می‌بینیم که بخشی از نیروها علت این فتنه فرهنگی را به خودمان برمی‌گردانند؛ از ایراد گرفتن به قانون حجاب گرفته تا «گشت امنیت اخلاقی» که بعضی‌ها رندانه هنوز از عبارت «گشت ارشاد» استفاده می‌کنند، درحالی‌که سال‌هاست نام آن عوض شده و گشت امنیت اخلاقی نامیده شده است، هرچند

بنده بارها عرض کردم که بجای کلمهٔ اخلاقی باید بگوییم «گشت امنیت اجتماعی».

به هر حال، بخشی از دوستان داخلی شروع کردند به شماتت و تخطئهٔ خود. هم برخی از دوستان، هم دشمنان داخلی و هم جبههٔ مخالفان پیشرفت ایران، بار «انتقاد از خود» را اضافه کردند. حتی برخی از طلبه‌هایی که در فضای انقلابی تنفس کرده‌اند، تعابیر تندی مثل غلط کردن را مطرح کردند، که موجب داغ کردن فضا به نفع دشمنان شد.

در دوران دفاع مقدس هم جوانان ما به جبهه می‌رفتند و شماتت می‌شدند! یکی از ارزش‌های بالای رزمندگان دفاع مقدس این بود که تحت بمباران شماتت و سرزنش برخی جریان‌ها، به جبهه می‌رفتند و جان می‌دادند. آثار این شماتت‌ها در وصیت‌نامه‌های شهدا هم هست و شهدا در مقابل این شماتت‌ها نکات ناب فراوانی مطرح کردند که حتماً لازم است یک جمع‌آوری صورت بگیرد و به عنوان یک سند عالی انقلابی و درس‌آموز منتشر بشود. چرا در آن دوران، بعضاً تشییع جنازهٔ شهدا حتی خلوت بود؟ به خاطر همان شماتت‌ها و کار رسانه‌ای

که امثال جریان نهضت آزادی علیه دفاع مقدس انجام می داد و مثلاً می گفتند: اینها تقصیر خودتان و ناشی از عملکرد غلط خودتان است، چرا جنگ را ادامه می دهید؟

شماتتِ درونی در دفاع مقدس خیلی بیشتر از الان بود / برای شهدای فتنه اخیر نباید کم گذاشت

درباره شهدای مدافع حرم، شماتت ها خیلی کمتر از زمان دفاع مقدس بود، مثلاً اینکه درباره مدافعان حرم می گفتند: اینها برای پول می روند، اینها مدافعان بشار اسد هستند؛ این شماتت ها خیلی کمتر از زمان دفاع مقدس بود. و الان هم شماتت ها برای شهدا خیلی کمتر است، در عین حال برخی سریع منفعل می شوند. در همین فتنه اخیر کسانی که به شهادت رسیدند، چگونه می شود آنها را شماتت کرد. این شهدا طرفداران خیلی قوی و قدرتمندی در میان توده مردم می توانند داشته باشند و کسی نمی تواند آنها را شماتت کند. هیچ کس الان برای تقدیر کردن از این شهدا نباید کم بگذارد. این شهدا ما را از بحران های عظیمی عبور می دهند. نباید مظلومیتشان به فراموشی سپرده شود.

شماتت درونی، عادت نفاق در صدر اسلام بود

این شماتت درونی، عادت نفاق در صدر اسلام بوده است. حتی بعد از شهادت امام حسین علیه السلام هم بخشی از گریه‌کن‌های مدینه در اطراف حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام می‌گفتند که اینها تقصیر امام حسین علیه السلام است! کما اینکه در زمان خودمان هم آقای حجاریان نوشت ماجرای کربلا، عاقلانه نبود و امامان بعد از امام حسین علیه السلام عاقلانه رفتار کردند!

نکته ۲: باید علاقه به حفظان امنیت ایران را در جامعه بالا ببریم

نکته بعدی که رهبر انقلاب در آن بیانات فرمودند این بود: «دفاع مقدس، علاقه نسبت به نیروهای نظامی ایجاد کرد و این علاقه موجب ثبات و امنیت می‌شود.» معلوم می‌شود که ما باید علاقه به حفظان امنیت ایران را در جامعه بالا ببریم و قوانین ما هم در این زمینه اصلاح بشود.

ولی الان ما می‌بینیم هجوم برای تخریب نیروی انتظامی بالا گرفته و خیلی‌ها سکوت کرده‌اند. حتی اگر اشتباهی هم صورت گرفته باشد و لازم باشد این قانون حجاب یا نحوه برخورد با بی‌حجابی تغییر کند یا کسی خطایی انجام داده باشد، باز هم

نباید چنین هجمه‌ای به حفظ‌کنندگان امنیت و نظم جامعه وارد بشود! باید این مطلب با صدای بلند فریاد زده بشود! متأسفانه ما یک مرکز تدبیر برای اداره افکار عمومی و حفظ افکار عمومی از آسیب‌ها در جامعه خودمان نداریم که به صورت مشترک و هوشمندانه و دقیق، عمل بکند و به دلیل نبود چنین تدبیری، بسیاری از اوقات، در تقابل با عرصه تبلیغات و عملیات روانی دشمن، عملکرد مدبرانه و صحیحی نداریم. که باید در این زمینه، کار شود.

نکته ۳: در این فتنه فرهنگی از دشمن عقب ماندیم، چون روایت درست را خوب برجسته نکردیم

نکته بعدی این بود که رهبر انقلاب با تعبیر مختلف فرمودند «ما در عملیاتی که دشمن دارد انجام می‌دهد، نباید از دشمن عقب بمانیم»، ولی ما در این فتنه فرهنگی اخیر، واقعاً از دشمن عقب ماندیم؛ برای اینکه روایت درست‌تر را خوب برجسته نکردیم و در روایت واقعیت‌ها اول نبودیم.

هنوز هم مطلبی به این واضحی آنقدر مورد هجمه قرار می‌گیرد تا کسی جرأت نکند یک حرف ساده منطقی بزند. حالا چه می‌شود

گفت؟ باید همین بزرگ‌نمایی مورد هجمه قرار بگیرد. یعنی اگر نمی‌شود در برخی فضاها از اقتدار پلیس و از قانون حجاب و این قضایا دفاع کرد، لااقل باید این هجوم تبلیغاتی و عملیات روانی پرحجم دشمن مورد تمسخر و تحقیر و تبیین قرار بگیرد.

نکته ۴: نباید برای دشمن، ابهت ایجاد بشود / در ذهن اکثر نیروهای انقلابی، دشمن بیش از حد، ابهت دارد

نکته بعدی اینکه فرمودند: «نبايد ابهتي براي دشمن ايجاد بشود و الا در عرصه سياسي، ترس نشان داده مي‌شود و ناتواني در مقابل دشمن پديد مي‌آيد.»

الان وقتی دقت می‌کنید می‌بینید حتی بسیاری از کسانی که در جبههٔ انقلاب هستند، برای دشمن، هیمنه‌ای قائل هستند و برای جبههٔ خودمان ضعف قائل هستند. اعتقاد شخصی بنده این است که در ذهن اکثریت نیروهای انقلابی، دشمن بیش از حد ابهت دارد؛ در انواع مراتبش. یعنی ذهنیت نیروهای انقلابی، دربارهٔ اینکه دشمن خیلی می‌تواند اثرگذاری داشته باشد، بسیار بالاست و دشمن را از هر حیث، قوی‌تر می‌دانند. همین مرعوب بودن، موجب می‌شود احساس پیروزی و برتری در پیروزی‌ها و

موفقیت‌ها در وجود ما جاری نشود. و در نتیجه اقدامات و تدابیر متناسب صادر نشود.

واقعاً در عین همه این شلوغ‌کاری‌ها، شما شدت ضعف دشمن را می‌توانید همین الان ببینید. فکر می‌کردند که دیگر از فردای فتنه، همه وحشیانه به تمام نمادهای انقلاب حمله می‌کنند و حجاب مطلقاً از بین می‌رود و جمعیت‌های زیادی پای کار آنها می‌آید و دیدید که اینطور نشد، حتی آنهایی که محجبه نیستند هم در این هجمه‌ها با آنها همراهی نکردند.

بخش دوم

فرصت‌هایی که این فتنه برای ما ایجاد کرد

در بخش دوم، چند نکته و تحلیل دربارهٔ حوادث اخیر عرض می‌کنم.

**دشمنان ما یکی از آخرین برگ‌های خود را در این فتنه رو کردند /
این حساس‌ترین گسلی بود که می‌توانستند آن را فعال کنند**

اولین نکته این است که شاید بتوان گفت در این فتنه دشمنان ما یکی از آخرین برگ‌های خودشان را رو کردند؛ یعنی مسئلهٔ جنسی، مسئلهٔ زن و حجاب. اینها مسائل حساسی است که می‌تواند گسل‌هایی را تحریک کند که بی‌سابقه است؛ این موضوع حتی شدیدتر از فقر و مشکلات اقتصادی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

اینها حتی امید داشتند که در دانشگاه‌ها غوغا کنند، ولی

آن‌طور که می‌خواستند نشد. آمار دانشگاه‌ها را ببینید که چقدر اندک بود. این به خاطر سطح بالای عقلانیت و بنیهٔ حق‌طلبی در جامعهٔ ماست. بنده تصور می‌کنم که دیگر نمی‌شود باطل را اجرا، مستقر یا برقرار کرد؛ در همهٔ عرصه‌ها این‌طور است. اگر می‌شد که اسرائیل، خودش را حفظ می‌کرد! اما به هیچ‌روش و تکنولوژی و ثروتی نمی‌شود، چون باطل در ذات خودش متلاشی است.

این یکی از حساس‌ترین گسل‌هایی بود که می‌توانستند آن را فعال کنند، کما این‌که برخی می‌گفتند «کاوهٔ آیندهٔ ایران، یک زن خواهد بود!» دیگر از این سوژه بهتر برای آنها وجود نداشت؛ چون می‌توانست چند گسل را باهم فعال کند. اما نتیجه‌اش برای آنها چه شد؟ در خود کردستان چه کار توانستند بکنند؟ از بالا به این مسئله نگاه کنید. مثلاً ببینید چقدر از مردم در بازار، مشغول فعالیت‌های حتی غیرضروری خودشان هستند، آن‌هم از همان کسانی که انتظار داشتند به آنها پیوندند. این اتفاق میزان عقلانیت و حق‌فهمی و حق‌طلبی در جامعه را نشان می‌دهد که حاصل تجارب انباشته شده از ابتدای انقلاب تاکنون و رهبری داهیانهٔ امامین انقلاب است.

**دشمنان ایران دیگر رمق ندارند / عمداً از نام ایران استفاده می‌کنم /
نباید اجازه دهیم دیگران به دروغ نام ایران را تصاحب کنند**

الان واقعاً جبههٔ دشمنان ایران و فریب خورده‌های آنها دیگر رمق ندارند؛ در مقابلِ منطق مدافعان ایران که بسیار منطق‌روشنی است. من عمداً از نام «ایران» استفاده می‌کنم. می‌شود گفت نظام یا انقلاب، ولی واقعاً، هم دشمنان نظام و انقلاب، دشمنان ایران هستند، و هم جبههٔ انقلاب و نظام، هدف مشخص‌اش اعتلای ایران و پیشرفت ایران است. ما نباید اجازه بدهیم دیگران با دروغ و نفاق یا سطحی‌نگری، نام ایران را تصاحب کنند. همانطور که نباید اجازه بدهیم کلماتی مثل زن آزادی‌زندگی و هر کلمه‌ای که بار مثبت دارد را دیگران به دروغ برای خود شعار قرار بدهند.

**این فتنه، هم نشانهٔ پیروزی طرفداران پیشرفت و استقلال ایران
بود، هم ما را برای وقایع آینده واکسینه کرد**

تحلیل اول بنده این است که این فتنه از جهاتی نشان‌دهندهٔ پیروزی مطلق جبههٔ طرفداران پیشرفت و استقلال ایران است و برای آینده هم به نوعی واکسیناسیون انجام شد.

این فتنه دوباره حماقت دشمن را نشان داد

ضمن اینکه این فتنه باز هم حماقت دشمنان را نشان داد. مثلاً گروهک کومله که مردم می‌دانند سابقه جنایت و سربردن دارد، در این فتنه فعال می‌شود و خودشان می‌گویند این دفعه همه چیز برنامه‌ریزی شده است. فقط هفتاد نفر از اعضای کومله در این اغتشاش‌ها دستگیر شدند.

دستگاه محاسباتی دشمن را نگاه کنید! انگار اینها نمی‌دانند آمریکا، عربستان و اسرائیل وقتی در یک حرکتی علنی مداخله می‌کنند، اتفاقاً سطح طرفداری مردم از آن جریان، کاهش پیدا می‌کند. بله؛ آنها واقعاً این مسائل را نمی‌فهمند و احمق هستند!

قبل از این فتنه، چطور می‌توانستید اثبات کنید که حجاب یک مسئله امنیتی است؟

واقعاً آنها گاف بزرگی دادند، همه‌اش چشمتان را به اشتباهات داخلی ندوزید و بیش از حد آنها را بزرگ کنید، ببینید دشمنان ما چه افتضاحات واقعاً بزرگی پیش آوردند. حتی اگر نیروی انتظامی هم در این زمینه اشتباه کرده باشد و حتی اگر قانون حجاب، اشتباه باشد. الان این طوری شده است که انگار ما طراحی کرده

بودیم برای اینکه آنها را به وسط میدان بکشانیم، تا خیلی از مسائل برای مردم روشن شود و مفتضح بشوند.

شما قبلاً چطوری می‌توانستید اثبات کنید که بی‌حجابی و بی‌بندوباری یک مسئلهٔ امنیتی است که قدرت‌های زورگو به دنبال تحمیل آن به ملت ما هستند؟ قبلاً اثبات این مسئله خیلی سخت بود، ولی الان در کف خیابان برای همهٔ مردم عادی، این مسئله ثابت شده است که حجاب الان در جامعهٔ ما دیگر یک حکم سادهٔ شرعی نیست، بلکه تبدیل به یک مسئلهٔ امنیت ملی شده و بی‌بندوباری می‌تواند امنیت جامعه را به خطر بیندازد. چون می‌بینند که بی‌حجابی در کشور ما چقدر برای تروریست‌ها، کومله‌ها و صهیونیست‌ها و داعشی‌ها اهمیت پیدا کرده است.

حماقت دشمن و برتری منطق انقلاب، باعث شد که این فتنه، فرصت‌هایی برای ما ایجاد کند

ببینید دشمنان ما چقدر احمق هستند! یک موضوعی را که ما نمی‌دانستیم چطوری برای مردم کشورمان جا بیندازیم، خودشان وسط آمدند و این را جا انداختند و برای مردم ثابت کردند که حجاب موجب تقویت امنیت کشور می‌شود.

باید از طرفِ ضدانقلاب‌ها و از زبان آنها خطاب به خود ضدانقلاب‌ها این حرف را بیان کرد. یعنی کاری کنیم که گروهی از آنها به گروهی دیگر بگویند: «خاک بر سرتان! یک فرصتی برای از بین بردن حجاب در ایران داشتیم، ولی شما این فرصت را از بین بردید!»

حماقت دشمن و برتریِ منطق ما، باعث شد که این فتنه، فرصت‌هایی را برای ما ایجاد کند. اینها وجوه مثبت ماجرا است و مطمئن باشید ما در آینده در جامعه‌مان مشکل حجاب، کمتر خواهیم داشت. اگرچه ممکن است تعداد افرادی که لجبازی کنند در خیابان‌ها بیشتر بشود. ولی در یک جمع‌بندی، شما خواهید دید که در درازمدت، خون هیچ‌کدام از این شهدای فتنهٔ اخیر بی‌اثر نخواهد شد.

بخش سوم

بررسی ریشه‌های اصلی این فتنه

چرا مشکلاتی از این دست در جامعه ما این قدر تنش زامی شود؟
به دلیل پدیده شوم دوقطبی سازی!

بخش بعدی عرایض بنده، به ریشه‌های این ماجرا برمی‌گردد.
چرا اساساً مشکلاتی از این دست در جامعه ما این قدر تنش زامی
می‌شود؟ به دلیل پدیده بسیار شوم دوقطبی سازی جامعه!

نفاق، چیزی است که نمی‌شود برچسب آن را به کسی زد و
گفت که «او منافق است» چون منافق، در ظاهر مؤمن است و
تو حق نداری به او بگویی منافق! لذا درباره نفاق، باید به صورت
«کلی» صحبت کنیم، مثل امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرمود: پای
رکاب من، منافق هست، کما اینکه پای رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله هم منافق

بود. یعنی خودتان بروید اینها را بشناسید.

اما یک نوع نفاق هست که باید معرفی بشود و با انگشت نشان داده بشود. کدام نفاق است که طبق قرآن کریم، اجازه داریم آن را معرفی کنیم؟ آن منافقی که جامعه را دوقطبی می‌کند. منافقی که صریحاً در قرآن معرفی شده، کسی است که در دوقطبی می‌دمد. عبدالله بن اُبی که آیات سوره منافقین درباره او بود، چون در دوقطبی مهاجر و انصار دمید و گفت: «لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ»؛ اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می‌کنند! (منافقون / ۸)

جریان دوقطبی ساز، تمام مشکلات مملکت را تبدیل می‌کند به مشکل لاینحل!

دوقطبی سازی اقدامی است که مانع گفتگو، مانع تفکر، موجب ترس و واهمه و تحقیر بشود و به صورت اجتماعی باعث شود که مردم از برچسب خوردن بترسند و نوعی خفقان روانی شکل بگیرد. الان خیلی از نخبگان جامعه جرأت اظهار نظر ندارند، به دلیل ترس از برچسب خوردن.

از طرف دیگر، جریان دوقطبی - در این وضعی که ما داریم که یک قطب مدام نقش اپوزیسیون بازی می‌کند - تمام مشکلات مملکت را تبدیل می‌کند به بحران و یا مشکل لاینحل! این جریان نفاق، تمام مشکلات قابل اصلاح جامعه را تبدیل می‌کند به عوامل تضعیف نظام و قدرت کشور.

بسترهای اجتماعی شکل‌گیری «موانع اصلی پیشرفت»، ناشی از دوقطبی‌سازی است

تقاضا می‌کنم، بروید بسترهای اجتماعی شکل‌گیری چند موضوع را ببینید که بی‌تردید همین دوقطبی‌سازی است:

۱. افتخار نکردن به آنچه داریم ۲. نفرت پراکنی سر هر موضوعی که مشکلات مملکت ما است و البته باید حل بشود ۳. عدم امکان حل مشکلات نظام و جلوگیری از هرنوع اصلاح در جامعه.

الان جریان دوقطبی‌ساز، خیز برداشته است و دارد آشکارا می‌گوید که «این حوادث اخیر برای ما یک فرصت است که مردم عملکرد افتضاح قبلی ما را فراموش کنند، و بتوانیم سربلند کرده و دوباره به عرصهٔ قدرت و سیاست بیاایم!» الان مشکل اصلی، احیاشدن این پدیدهٔ شوم دوقطبی است و الا مگر این مسئله

اخیر دربارهٔ حجاب، چقدر می‌تواند برای جامعهٔ ما مشکل ایجاد کند؟

با دوقطبی‌سازی اجتماعی «محجبه و غیرمحجبه» مخالفیم

ما قطعاً باید حق بودن حجاب را روشن کنیم؛ از طریق بیان فوائد حجاب و مضرات بی‌حجابی، حتی از قانونی بودن حجاب دفاع کنیم. و تبیین کنیم بی‌حجابی تخلف است؛ البته نحوهٔ برخورد با آن می‌تواند بحث‌شود. ولی با دوقطبی‌سازی اجتماعی «محجبه و غیرمحجبه» کاملاً مخالفیم! چون فضای جامعهٔ اسلامی، یک فضای تربیتی است و اصلاً فلسفهٔ حکومت اسلامی، مدیریت تربیتی است. شما می‌دانید که رد شدن از چراغ قرمز، جریمه دارد و حرام است، اما حق نداریم کسی که او را به خاطر عدم رعایت این قانون جریمه می‌کنیم، تحقیر کنیم. سرزنش در اسلام ممنوع است؛ حتی برای گنه‌کار. اینکه سرزنش ممنوع است، یعنی دوقطبی درست نکنیم. یعنی با برچسپ زدن به افراد جامعه، آنها را دو تکه نکنیم و روبروی هم قرار ندهیم.

اجرای قانون، با حرمت ایمان و اسلام و حرمت اخلاقی شخص، فرق می‌کند. شما ممکن است از نظر قانونی مقصر

شناخته بشوید، و جریمه بشوید، اما حرمت شما باید حفظ بشود. ماهیت اجرای قانون، کاملاً با بحث دوقطبی سازی متفاوت است. جزء ماهیت دوقطبی سازی است که امکان تعلیم و تربیت و رشد جامعه را از بین می برد.

هر موضوعی که دربارهٔ آن، زیادی حساسیت در جامعه پدید بیاید و آن موضوع زیادی داغ بشود (مثل حجاب، مثل عدالت خواهی در امور مالی و دوقطبی سازی که بستر اساسی آن است) به ایجاد شکاف و تشدید مشکلات در جامعه کمک می کند، نه حل و اصلاح مشکلات.

بخش چهارم

با این ماجرا چگونه برخورد کنیم؟

۱. احساس قدرت، به دلیل داشتن این همه دشمن!

حالا سؤال این است که الان در این ماجرا چه مواجهه‌ای می‌توانیم داشته باشیم؟ یکی از آنها، احساس قدرت و احساس پیروزی داشتن، به دلیل تعداد زیاد دشمنان کشورمان است؛ یعنی ما تنها کشوری هستیم که این قدر دشمن داریم و این نشانه قدرت ما است.

حالا این وسط باید از این اقتدار و اهمیت مدام حرف بزنیم. دشمن سعی دارد به ذهن‌ها القا کند شما در بحران زده‌ترین و عقب مانده‌ترین کشور زندگی می‌کنید. ما باید این واقعیت را جا بیندازیم که بله مشکلاتی داریم، ولی این مشکلات برای یک کشور

مقتدری که در حد ابرقدرتهای جهانی ظهور کرده و می‌خواهد یک تمدن نوین پی‌ریزی کند و الان به سرعت در حال پیشرفت است، یک مشکلات طبیعی است. و آینده از آن ماست، زیرا ما به دلیل اینکه همیشه پیشرفت‌های غیرقابل پیش‌بینی داشته‌ایم، در آینده هم فوق‌تصور پیشرفت خواهیم کرد.

۲. این ماجرا نشان داد چقدر جامعه ما عدالت‌خواه است!

نکته دیگر اینکه این ماجرا نشان می‌دهد اولاً چقدر جامعه ما عدالت‌خواه است و ثانیاً چقدر پلیس ما سالم است. یک نفر آدم در کلانتری یا محلی که پلیس او را فراخوانده، فوت می‌کند، که البته او هم سابقه بیماری داشته است، و کل مملکت در واکنش به این مسئله به هم می‌ریزد، پس جامعه ما خیلی عدالت‌خواه است و این نتیجه کار جمهوری اسلامی است. اگر ملت بی‌تفاوتی داشتیم خوب بود؟ مثل خیلی از ملت‌های غربی که پلیس هر روز و هر هفته تجاوز می‌کند و می‌کشد، و آب از آب تکان نمی‌خورد.

این روحیه عدالت‌خواهی را که الان آنها می‌خواهند بر موجش سوار بشوند، خود نظام و شخص رهبری در این جامعه

تقویت کرده است. البته عقلانیتی هم در این جامعه هست که در نهایت قضاوت درستی خواهد داشت.

۳. این ماجرا نشان داد پلیس ما سالم است

موضوع دیگر این است که پلیس ما چقدر سالم است و مثل پلیس کشورهای دیگر، در پرونده اش قتل و تجاوز ندارد. اصلاً خود همین حادثه، دلالت بر این واقعیت دارد. اگر پلیس کشور ما هم مثل پلیس کشورهای غربی این قدر قتل و تجاوز انجام می داد، طبیعتاً همیشه باید در خیابان های ما شورش می شد. شما ببینید در کشوری مثل آمریکا هر سال بیش از هزار نفر به دست پلیس آمریکا به قتل می رسند و اگر بنا باشد برای هر کدام از این کشته شدگان مردم شورش کنند، چه وضعیتی درست می شود!

۴. در مقابل شعارهای آنها چه خطی را دنبال کنیم؟

یکی از مسائل مهم ما در نبرد رسانه ای، درست کردن شعارهایی است که بسیار اهمیت دارند. هم ما خوب شعار درست نمی کنیم، هم آنها خیلی در درست کردن شعارهای دروغشان ماهر هستند. ما باید مفاهیم درست و مؤثر را از آنها

بگیریم و بهترین شعارها را بسازیم و به آنها فرصت دروغ‌گویی و عوام‌فریبی ندهیم.

اگر آنها شعار درست کرده‌اند «زن، زندگی، آزادی» شما بگویید «زن، آزادی، امنیت» یا مثلاً آنها گفتند: «مرد، میهن، آبادی» شما بگویید «مرد، آگاهی، غیرت»

یادمان باشد هر شعاری که می‌دهند ما می‌توانیم از کلمات خوبش بهتر از آنها استفاده کنیم. واقعاً ما به دنبال آزادی زنان هستیم نه آنها، ما به دنبال زندگی آرام و آباد هستیم نه آنها.

و بعد باید برای رفتار تمدن غرب و پیروان غرب شعار بسازیم که آنها می‌خواهند زن مانند آنچه در غرب اتفاق افتاده است، تبدیل به کالای جنسی بشود و ما اجازه نمی‌دهیم زن در ایران ذلیل بشود. ما اصلاً شعارهای تهاجمی هم بلد نیستیم بسازیم. شعار درست کنیم که دوران بی‌بندوباری گذشته است، آیندهٔ جهان سرشار از نجابت و پاکی است. ما دیگر به گذشته برنمی‌گردیم، از آینده حرف بزنیم و از نابودی گذشته، و از اینکه این سبک زندگی غلط دوران‌ش گذشته و ما کهنه‌پرستی نمی‌کنیم. ما آیندهٔ جهان را تغییر خواهیم داد.

باید از استقلال شعار بدهیم؛ بگوییم که ما می‌خواهیم خودمان باشیم، نمی‌خواهیم کسی برای ما تعیین تکلیف بکند. یا اینکه برده‌های جنسی کارتل‌ها در خیابان‌های شهر فعال شده‌اند، ولی ما به بردگی کشیده نخواهیم شد. یا اینکه حالا حجاب برای ما مهم شد، وقتی می‌بینیم کومله که با موزاییک سر می‌برد، با آجر به خیابان‌های شهر آمده و آدم می‌کشد تا ما را بی‌حجاب کند.

الف) ترسیم آینده بی‌بندوباری در کشور

در مقابل کسانی که در این ماجرای اخیر، شعارهایی را درست کردند، چند تا خط را باید دنبال کرد:

خط اول، ترسیم آینده بی‌بندوباری در کشور است. مثلاً اینکه اگر بنا باشد بی‌بندوباری در کشور رواج پیدا کند، در دانشگاه‌ها و نقاط دیگر، مراکز بی‌بندوباری درست خواهد شد و نتایج دیگری که به دنبالش خواهد آمد. اینها را طوری باید ترسیم کنیم که حتی بسیاری از کسانی که مخالف حجاب هستند هم از غفلت خارج شوند و بگویند «نه، ما تا این حد از بی‌بندوباری را نمی‌خواهیم.»

ما باید واقعیت را به آنها نشان دهیم که این حد از بی‌بندوباری را

که شما نمی‌خواهید، نتیجهٔ قهری آن وضعیت است. این چیزی که بعضی‌ها در ارتباط با نفی پلیس اجتماعی می‌گویند، باید بدانند که آخرش به کجا می‌رسد. اگر کمی آخر و عاقبتش ترسیم شود، همه حالشان از رواج بی‌حجابی به هم خواهد خورد.

ب) چرا فمینیست‌ها علیه کنیزگرفتن توسط داعشی‌ها سکوت می‌کنند؟

خط بعدی که در مقابل آنها باید دنبال کرد، موضوع داعش و کنیزگرفتن آنها و ظلم‌های فاحشی که به زنان کردند است. آیا اینها با این کارهایشان که زمینهٔ ایجاد ناامنی توسط گروهک‌های تروریستی شد، می‌خواهند زمینه‌سازی برای حضور داعشی‌ها بکنند تا مانند سوریه و عراق، از زن‌های ایرانی کنیز گرفته شود؟! آنطور که ما در این ماجراها فهمیدیم، همان کسانی که داعش را درست کرده‌اند، همین فتنه را در اینجا راه انداختند و پشتیبانی کردند! الان فهمیدیم که گشت ارشاد انگار دارد جامعهٔ ما را نگه می‌دارد که ناموس ایرانی به کنیزی نرود. کسی که نسبت به کنیزگرفتن داعشی‌ها اعتراض نکرد و به مخالفان داعشی‌ها می‌گفت «مدافعان بشار اسد» و اینگونه داعشی‌ها را تقویت

می‌کرد، اصلاً حق ندارد در این کشور دربارهٔ حجاب و گشت ارشاد حرف بزند.

چرا فمینیست‌های غربی لال هستند که علیه داعشی‌ها و حامیان‌شان حرف بزنند؟ داعشی‌ها در جریان کنیزگرفتن از زن‌ها چه کار کردند؟ مگر آمریکا داعش را درست نکرده؟ شما می‌توانستید آمریکا و تمدن غرب را یک پدیدهٔ شوم ضد زن معرفی کنید. البته هنوز هم دیر نشده است و این موضوع را می‌شود برجسته کرد.

شما می‌توانید جمعیت‌های مدافع آزادی زنان درست کنید. نه اینکه مثلاً خانم‌های چادری جمع بشوند و جمعیت مدافع ارزش‌های اسلامی درست کنند! خداوند هم دربارهٔ حجاب، با ادبیات انسانی و اجتماعی بحث می‌کند. نمی‌گویید «بی‌حجابی خیانت به خون شهداست!» شهید برای ما خیلی قیمت دارد و ما نباید به غلط، بی‌حجاب‌ها را ضدِ شهدا قرار بدهیم!

ج) تحقیر زندگی بی‌بندوبار غربی

الان فرصت خوبی داریم برای تبیین حقارت زندگی بی‌بندوبار غربی! اگر زندگی غربی درست تبیین بشود، مردم ما

و حتی افراد بی حجاب از زندگی غربی بدشان خواهد آمد. حتی دختران دبیرستانی که علاقه به حجاب ندارند هم از زندگی دختران دبیرستانی در غرب، بدشان خواهد آمد و اصلاً نیاز به این نخواهیم داشت که از دین برای حجاب خرج کنیم! همین تجربهٔ موجود در غرب کافی است.

باید با دشمنان «ایران» مقابله کنیم، نیازی نیست بگوییم ما از انقلاب اسلامی دفاع می‌کنیم، آنها مخالف استقلال و قدرت ایران هستند. فرهنگ حجاب، موجب تقویت «ایران» و پیشرفت «ایران» می‌شود.